



سه دیدگاه درباره اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)

حجت الاسلام علی الوندی پژوهشگر مسائل دینی و تاریخی اظهار کرد: علما نسبت به تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، سه دیدگاه دارند.

حجت الاسلام علی الوندی پژوهشگر مسائل دینی و تاریخی اظهار کرد: علما نسبت به تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، سه دیدگاه دارند. عده ای قائل به عدم اعتبار همه این کتاب شده اند، برخی گفته اند صدرصد معتبر است اما برخی گفته اند که ما راه میانه را در پیش می گیریم.

به گزارش خبرنگار ایگنا، نشست «بررسی اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)» امروز چهارشنبه ۱۱ اسفندماه از سوی دانشگاه معارف اسلامی با سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین علی الوندی، پژوهشگر مسائل دینی و تاریخی برگزار شد.

در ادامه سخنان وی را می خوانید:

درباره تفسیر منسوب به امام حسین عسکری (ع) دیدگاه های مختلفی در طول تاریخ وجود داشته است از جمله محمدحسین ذهبی، از نگارندگان مباحث تفسیری اهل سنت که نگاهی متعصبانه دارد و اتهاماتی به واسطه این تفسیر به شیعه وارد می کند. آیت الله استادی، محسن داوری، آیت الله معرفت، علامه محمد هاشم خوانساری و... نیز مباحثی درباره تفسیر امام حسن عسکری (ع) داشته اند. علما نسبت به این تفسیر، سه دیدگاه دارند و سه روش را اخذ کرده اند. عده ای قائل به عدم اعتبار همه این کتاب شده اند، برخی گفته اند صد در صد معتبر است اما برخی گفته اند که ما راه میانه را در پیش می گیریم. این افراد می گویند باید با دقت بررسی شده و اگر توانستیم آن را معتبر بدانیم یا ضعف های آن را جبران کنیم، پس باید روایات آن را بپذیریم. موافقان و مخالفان تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)

سردسته کسانی که قائل به عدم اعتبار است مرحوم ابن غضایری است که معتقد است سبک و سیاق احادیث و روایات با سبک معصومین سازگار نیست و سند روایان حدیث اضطراب دارد. همچنین معتقد است سخنان ضد و نقیض نیز به میزان زیادی در کلام روایان وجود دارد و برخی روایات با قرآن و مسلمات تاریخی در تضاد است. محقق تفرشی و محمدمامین استرآبادی نیز سخنان وی را قبول دارند. شیخ میرزا ابوالحسن شعرانی، این تفسیر را منسوب به شخص دیگری می داند و معتقد است احادیث منکر و زشتی در آن وجود دارد. آیت الله خویی نیز مباحثی را درباره این تفسیر ذکر کرده و روایات آن را فاقد اعتبار می داند.

آنهایی که قائل به عدم اعتبار هستند معتقدند این تفسیر، برخی از خرافات، عجایب، اکاذیب و جعلیاتی دارد که با عقل، مسلمات تاریخی، سیره قطعی و سنت پیغمبر جمع نمی شود و قابل تطابق نیست. البته برخی نیز معتقدند که ما نمی توانیم تضعیف ابن غضایری را بپذیریم چون کتاب «الضعفا» که وی نوشته ایرادات زیادی دارد لذا می توانیم احتمال دهیم شیخ صدوق که به این کتاب اعتماد داشته است به منابعی دسترسی داشته که از نظر وی معتبر بوده اند. البته علامه شوشتری می گوید حجیت داشتن قول شیخ صدوق در اموری است که شکی در صحت آن نداشته باشیم.

ابومنصور طبرسی نیز به این موضوع اشاره و بحث اتصال سندی این تفسیر را با یک طیف سندی دیگر جبران می کند. ابن شهرآشوب نیز ناقل این کتاب می شود و محقق کرکی نیز روایاتی را در زمینه ولایت امیرالمؤمنین (ع) از این کتاب آورده است. محمدتقی مجلسی می گوید هر کسی با کلام اهل بیت (ع) آشنا باشد می داند این کتاب از سنخ کلام آنهاست و شهید ثانی نیز سخنان وی را تأیید می کند. فیض کاشانی نیز به آن اعتماد و به آن نقل روایت کرده است. سیدنعمت الله جزایری نیز ناقل آن بوده و قائل به اعتبار کتاب است. شیخ انصاری نیز از جمله کسانی است که معتقد به اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) است.

دیدگاه ها درباره سندیت

انتقاد دیگری که وارد شده این است که به گفته ابن غضایری در کتاب «الضعفا»، هیچ گونه اعتباری به آن نیست. حتی برخی این کتاب را به خود ایشان نسبت داده اند و پیرامون آن اقوال ضد و نقیض زیادی وجود دارد و بسیاری از بزرگان این کتاب را متعلق به ابن غضایری نمی دانند. نکته دیگر اینکه شیخ صدوق هنگام نقل قول از استرآبادی، راوی تفسیر امام حسن، همواره از وی به نیکی یاد کرده اما واقعیت این است که صرف روایت شیخ صدوق از کسی دلیل بر توثیق او نیست. البته عده ای نیز معتقدند که این تفسیر منسوب به ابومحمد حسین عسکری است نه والد ایشان. همچنین علامه محقق داماد گمان کرده تفسیری که

استرآبادی آن را روایت کرده است غیر از تفسیری است که ابوعلی حسن بن خالد برقی آن را روایت کرده است در حالی که این توهمی باطل است. در کلام ابن غضایری این کلام منسوب به ابوالحسن الثالث الهادی ذکر شده است اما شاید بتوان گفت منشأ توهم وی لقب هادی برای هم امام هادی و هم امام حسن عسکری باشد.

موضوعی که بسیار محل حرف و حدیث است، سند این کتاب است. در نسخه های مختلف دیدگاه های گوناگونی درباره سندیت این کتاب وجود دارد. از شیخ صدوق تا معصوم را که بررسی کنیم باید سه طبقه راویان را مورد تحلیل قرار دهیم که اول شیخ صدوق سپس محمد ابن قاسم استرآبادی و در نهایت ابویعقوب یوسف بن محمد و ابوالحسن علی ابن محمد هستند. در ثقه بودن شیخ صدوق کسی حرفی ندارد و همه رجالیون متفق القول هستند که او ممتاز و برجسته است. استرآبادی نیز شخصی است که صدوق روایات زیادی را از وی نقل می کند ولی تعابیر مختلفی را نیز برای استاد خودش در کتاب ها در هنگام نقل روایت استفاده می کند. درست است توثیق یا ضعفی در کتب رجالی در مورد وی وجود ندارد اما یک عده گفته اند که وی ثقه و مورد اعتماد است چون شیخ صدوق به ایشان اعتماد کرده است اما گروهی دیگر وی را تضعیف کرده اند و لذا تفسیر منسوب به امام حسن عسکری را از طریق او معتبر نمی دانند که از جمله آنها علامه حلی، میرداماد، و آیت الله خویی هستند. اشکال های وارد به تفسیر منسوب به امام حسین عسکری(ع)

آیت الله خویی می گوید هیچ نصی بر توثیق محمد ابن قاسم استرآبادی از یکی از متقدمین وارد نشده است. درباره ابویعقوب یوسف بن محمد و ابوالحسن علی ابن محمد نیز گفته اند که از شخصیت هایی بوده اند که این تفسیر را از امام شنیده اند. این دو، طبق نظر رجالیون متقدم، مجهول الهویه هستند و هیچ توثیق و جرحی ندارند. علامه حلی، محقق داماد و آیت الله خویی قائل به عدم اعتبار این دو شخصیت هستند. کسانی که قائل به توثیق این افراد هستند معتقدند اینها هفت سال ملازم امام بوده اند، شیعه امامیه و همچنین مورد اعتماد شیخ صدوق بوده اند و به همین دلیل باید به اقوال آنها اعتماد کرد.

فارغ از همه این مسائل اگر متن این کتاب را بررسی کنیم چند عامل برای ضعف کتاب وجود دارد که اولین بحث، اضطراب و اختلاط در متن روایت و دوم، تعارض برخی مطالب با قرآن کریم است از جمله در صفحه ۱۲۳ این کتاب و در تفسیر آیه ۲۲ سوره بقره مطالبی بیان شده که از اسرائیلیات است و با آیه ۹ و ۱۰ سوره فصلت مخالفت دارد. همچنین در این تفسیر، تعارض با روایات قطعی و روایات معصومین(ع)، مسلمات تاریخی و اشتمال بر غلو و افراط و عجایب غیرمعقول نیز وجود دارد.